



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن:۵-۶۶۱۸۱۲۳-
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghn Newspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۵:۵۵ اذان مغرب ۱۸:۱۱ اذان صبح فردا ۴:۳۴ طلوع آفتاب ۵:۵۷

آقای دوزنقه

کارمندان در آفتاب

جواد مجابی



■ نامه‌رسان با کاسکت سفید و عینک سیاه، به درون آمد، بخشنامه را داد، رسید گرفت و رفت. بخشنامه را روی میز رییس اداره گذاشتم و جای خواستم. دو ساعت که گذشت مثل هر روز هشت نفر به تنلوب یا پله‌ها بالا آمدند. اگر شما اداره ما را دیده باشید، می‌دانید آپارتمان چهار اتاق‌ای است که با ۹ کارمند و یک رییس از سطح زمین ۴۸ پله ارتفاع دارد، هشت نفر سابق‌الذکر، آمدند پشت میزهاشان پخش و پلا شدند. چای می‌خوردیم و روزنامه می‌خواندیم و درباره سیاست صحبت می‌کردیم که رییس به ما ملحق شد. بخشنامه در دست داشت و مشوش بود.

- آقایان! لطفا!

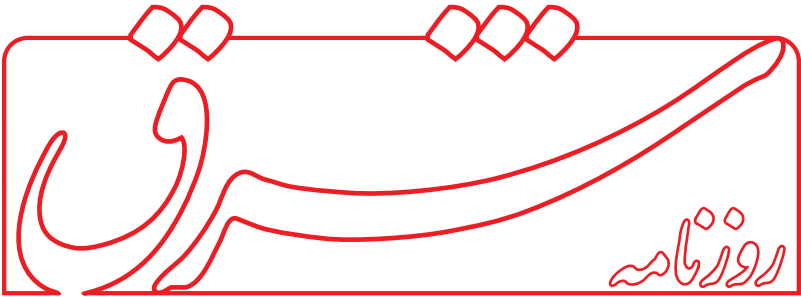
کسی به اظهار غیرمنطوره او اعتراضی نکرد. با‌مشت روی نزدیک‌ترین میز کوبید. جوهر بنفش روی پیراهن سفید رییس دبیر خاله پرید، ماشین‌نویس، خواب‌آلوده پیشانی از ماشین تحریر برداشت. رییس دایره باپگلی خاکستر سیگارش را تصادفا در استکان چای رییس ابدار خاله خالی کرد او هم به نوبه خود متغیر گردید. می‌توان گفت که به تدریج روسای هشت‌گانه دوایر، از چرت نیم‌روزی به در آمدند و رییس با لجه‌ج فصیح دهاتی بخشنامه را خواند. «مقرر می‌شود از امروز ابواب جمعی آن موسسه محترم روزی یک ساعت سر برهنه در آفتاب بایستند. مأموران بهداشت روانی مسوول حسن اجرای این امر می‌باشند. به تاریخ روز ماه سال…» رییس روی نزدیک‌ترین میز روی لکه جوهر نشست، انگشت به دهان برد و سرجنباند. مسن‌ترین عضو اداره گفت: این بخشنامه چیز موهومی است. بعد زیر لب گفت مثل همه بخشنامه‌ها رییس دایره تطبیق احکام در هیچ‌ک از ادوار قانون‌گذاری سابقه نداشته است که کارمند به کارهای غیرمعقول واداشته شود. رییس اداره: آخر چرا توی آفتاب؟ بهتر نبود مقرر می‌شد در همین اتاق بایستیم در سایه. چنان‌که همه می‌دانیم ایستادن بهتر از نشستن و راه رفتن بهتر از ایستادن است. اما اگر مقرر بود بدویم خیلی بهتر می‌شد حداقل می‌توانستیم به ملل راقیه برسیم. رییس باپگلی: دولت حاضر نمی‌شود کارمندانش دیوانه بشوند آدم یک ساعت برهنه در آفتاب بایستد دیوانه می‌شود، می‌پو کند من گفتم: توجه کنید نوشته سر برهنه، نه برهنه. باز جای شکرش باقی است. مسن‌ترین عضو اداره گفت ممکن است آن کلمه آفتاب نباشد مثلا در نظر بگیریم که لغتی باشد مثل احباب یا چیزی در این حدود. حتما اشتباهی پیش آمده… حالا احباب یعنی چه، باید دید احباب اداره کیستند؟ مراجعان آن، روزی یک ساعت به احترام آنها سر برهنه بایستیم این خودش یک‌جور تنوع است. بالاخره می‌شود طوری آن را تفسیر کرد که به نفع ملت و ملک باشد. هر چه هست زیر سر کلمه «آفتاب» است. رییس دبیر خاله گفت: خوب است به کارگزینی تلفن کنم نه اما، ششمار ردیف خورده ما سویمن اداره هسستم

که این بخشنامه را دریافت می‌کنیم، رییس دایره تطبیق احکام، خط تلفنی از ادارات دیگر پرسید که نحوه عملیات چطور بوده. رییس دبیر خاله، صبر می‌کنیم شاید آن‌شاه‌الله نقیض آن تا آخر وقت برسد. رییس تارکات گفت: فکر نمی‌کنید این بخشنامه دنباله عملیات بهداشتی باشد که اخیرا باب شده مثلا به لحاظ کسب ویتامین‌های لازمه از طریق آفتاب مخصوصا که مأموران بهداشت روانی هم مسوول اجرا شده‌اند. رییس دایره گفت: من یک مقاله خواندم که در انگلیس دانشمندان علوم اداری تحقیقات مفصلی کرده‌اند طبق آن ثابت شده حالت پشتم‌نزشستن ویتامین بدن را تحلییل می‌برد و گلبول‌های سفید به سرعت نابود می‌شوند. کارمندان به امراض خنم‌ناسوز بواسیر، سل و اختلالات لوزالمعده دچار می‌شوند. لهذا پیشنهاد شد که کارمندان رسمی برای تنوع روزی چند دقیقه از پشت میز برخاسته و قدم بزنند تا خون در کاسه مغز و سایر اعضا و جوارح آنها به حرکت درآید ممکن است که… رییس اداره قوانین که تاکنون در بحث شرکت نجسته و متفکرانه در متن بخشنامه غور رسی می‌کرد بغتتا گفت:

حل شد. آقایان مژده دولت به فکر ماست این یک وسیله برای برقراری اضافه‌کار برای کارمندان بی‌ضاعت می‌باشد و مظفرانه سکوت کرد، دو‌وقتی همه ساکت شدند، گفت: بخشنامه را ببینید! اولاً ذکر نشده که در ساعت اداری زیر آفتاب بایستید وقت آن را به میل ما آزاد گذاشته‌اند، ممکن است همان یک ساعتی که شما در صف اتوبوس ایستاده‌اید و عرق می‌ریزید بی‌آنکه بدانید مفاد این بخشنامه را اجرا کرده باشید. ثالثا شما در هر ساعتی از روز هر کجا که باشید، وقتی یک ساعت زیر آفتاب بایستید کارمندی هستید در حین انجام وظیفه، این خودش یک پوئن مثبت اداری محسوب می‌شود. ثالثا چون در خارج از سرویس اداری به بخشنامه اداری عمل می‌کنید مستحق اضافه‌کار بلکه پاداش مستمر هستید. این کشف غیرمنظره مجلس را در بهت شیرینی فرو برد. پرتیرین عضو اداره گفت خدایا راضی هستیم به رضای تو… کسانی به سرعت از پله‌ها بالا می‌آمدند. نامه‌رسان بود همراه مرد قوی‌هیکلی که عینکی سیاه بر چشم‌ده بود. نامه‌رسان پرسید: بخشنامه کجاست؟ رییس اداره گفت: می‌خواهید چه کار کنید؟ نامه‌رسان گفت: ببینم، به شماره آن نگاه کرد. گفت: خیلی مغذرت می‌خواهم آن را در جیب نهاد. بخشنامه شما این است. پاکتی به دست رییس داد، داخل‌پاکتی کردند و رفتند. من پرسیدم این یارو گردن کلفتی کی بود؟ رییس دبیر خاله گفت: نامه‌رسان بیمارستان روانی بود.

شفق

روزنامه



چهارشنبه ۶ مهر ۱۳۹۰ ۲۹ شوال ۱۴۳۲ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱ سال نهم شماره پیاپی ۱۳۵۴ شماره ۴۲۰ دوره جدید ۲۰صفحه

برداشت آخر

سیاره‌های دیگر به ارزش ۴۰ میلیارد دلار

سیزده سالگی «گوگل»

حمید جعفری

همان‌طور که می‌بینید، تصویری که در این گزارش آمده است، حکایت از جشن تولد ۱۳ سالگی گوگل دارد. موتور جست‌وجوی قدرتمندی که ۵۱۲,۰۰۰ دلار ۳۹,۵۲۰ دلار می‌ارزد و در یک روز ۱,۴۳۲,۶۰۰,۰۰۰ این صفحه را برای انجام امورات روزانه خود باز می‌کنند. همین میزان بازدیدکننده در روز برای این دامنه اینترنتی کافی است تا ۵۳,۶۴۰,۰۰۰ دلار در روز بسرای «گوگل» درآمدزایی ایجاد کند. ۱۳ سال زمان زیادی برای بدل‌شدن «گوگل» به یک شرکت رسانه‌ای نبود. در سال ۲۰۰۸ هدف آنها تبدیل شدن به اولین شرکت رسانه‌ای ۱۰۰ میلیارد دلاری زمین است؛ یعنی دو برابر ابعاد دومین شرکت بزرگ دنیا یعنی «والت دیزنی». «هن اوتلو» نویسنده کتاب «گوگل، پایان دنیا

■ ■ ■

«بیکلاس کر» یکی از مفسران و منتقدان انقلاب دیجیتال در کتابش با عنوان «عمق‌های سطحی: اینترنت چه اثری بر مغز ما دارد» با اشاره به یکی از مقالاتش درباره سایت گوگل که در سال ۲۰۰۸ در نشریه آتالنتیک منتشر شد اینترنت و به‌طور کلی دنیای وب و ابزارهای دیجیتالی را باعث پس روی انسان و کور شدن خلاقیتش عنوان می‌کند. وی در این مقاله با عنوان «یا گوگل ما را کودن می‌کند»، در نقد جست‌وجوهای اینترنتی و

در دسترس بودن سریع اطلاعات انسان‌های عصر آینده را افرادی با اطلاعات عمومی بالا ولی سطحی و کم عمق خطاب کرده بود که مغز آنها دستخوش اطلاعات

آماده‌ای شده است که از خودش هیچ چیز ندارد و باید از نوشته‌های دیگران الگوبرد.

در یازدهم سپتامبر ۱۹۹۷ «لری پیج» و «سرگئی برین» دامنه «گوگل» را ثبت کردند «پیج» و «برین» در دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه استنفورد با هم آشنا شدند. ایده جست‌وجوی «گوگل» هنگامی در ذهن آنها شکل گرفت که در خوابگاه بودند و کل شبکه و تمام لینک‌های آن را دلدلوسی می‌کردند. در آن روزها کمتر کسی تصور می‌کرد ۱۳ سال بعد این دامنه ساده به یکی از غول‌های IT دنیا بدل شود اما در این روزها به قول «بیکلاس کر» کار به جایی رسیده است که: «گوگل ما را کودن می‌کند.»



با تی‌شرت و شلوار ک می‌گردند، از میان زمین‌های والیبال

و باغ‌های سبز بیجاات عبور می‌کنند. غلای رایگان، شبکه

حمل‌ونقل اتوبوسی مجهز به اینترنت وای‌فای، خدمات

درمانی، خشکشویی، مجموعه‌های ورزشی، ماساژ و کارواش

و تمام چیزهای دیگر که طراحی شده‌اند تا کارمندان را شاد

و در داخل مجموعه نگهدارند»

■ ■ ■

در یک تصویر احاطه شده توسط بادکنک‌ها «گوگل»

سیزدهمین تولدش را در حالی روز ۲۷ سپتامبر جشن

گرفت که معمولا این تاریخ متغیر است.

یک کیک با ۱۳ شمع روشن و چندین هدیه تولد روی

میز و چند قاب عکس بر دیوار این مناسبت را اعلام کرده

دیده‌بان

برهان‌الدین ربانی، قربانی زبان فارسی



فریدون مجلسی

بشار دیگر افغانستان مدنی هدف قبیله‌گران

فارسی‌ستیز شد. یک‌سوم جمعیت افغانستان را پشتون‌ها

تشکیل می‌دهند و اکثر آنان اسیر فرهنگ‌ستیزی‌های

قبیله‌ای و شیوه‌های زورمدارانه‌ای هستند که تاکنون

چه در دوران سلطنت و چه پس از آن به کمک همان

شیوه‌ها بر افغانستان حاکم بوده‌اند و این حکومت را با

نوعی نگرش نژادپرستانه، حقی مطلق برای خود تصور

می‌کنند. همین چند روز پیش بود که پرویز مشرف،

رییس‌جمهور پیشین پاکستان در دفاع از سیاست خود

در تداوم اشغال افغانستان که با اعزام طالبان پاکستانی،

پشتیبانی ارتش آن کشور و به هزینه عربستان و امارات

متحده انجام شد، گفت: چون دولت مجاهدین مورد

حمایت هند، روسیه و ایران بود، بنابراین ما باید این کار

را می‌کردیم. در واقع اکنون که حکومت طالبان با اقلیت

پشتون که قبیله‌ای اکثرا طالبانی در عرصه حکومت با

کمبود نیروی کارشناس و با قابلیت پشتون مواجه شده

به آشنی با طالبان روی آورده است، اما همین تازش‌های

آشتی‌جویانه و صلح‌طلبانه کسانی مانند برهان‌الدین

چهارراه جهان

شلاق به جرم رانندگی

شرق: هنوز دو روز از سخنان پادشاه عربستان مبنی بر اعطای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان در پارلمان نگذشته است که زنی در این کشور به جرم رانندگی به شلاق محکوم شده است. این زن که نامش فاش نشده، به ۱۰ ضربه شلاق محکوم شده است. هیچ قانونی درباره ممنوعیت رانندگی زنان در عربستان وجود ندارد. برای رانندگی در عربستان، متقاضیان باید گواهینامه رانندگی داشته باشند اما به زنان گواهینامه داده نمی‌شود. از این‌رو زنان عربستانی برای دریافت گواهینامه مجبورند به مصر و لبنان یا بحرین سفر کنند و از آن کشورها گواهینامه دریافت کنند. عربستان تنها کشوری است که در آن رانندگی برای زنان ممنوع است. این ممنوعیت حتی شامل حال زنان خارجی یا توریست‌ها هم می‌شود. گروهی که برای آزادی رانندگی زنان در عربستان فعالیت می‌کند، گفته

فیلم ضد ایرانی «بن افلک»

«بن افلک» از دو هفته پیش ساخت فیلم ضد ایرانی «سفینه» را با موضوع تسخیر لانه جاسوسی در شهر لس‌آنجلس شروع کرده است.

«افلک» در این پروژه سینمایی علاوه بر آنکه کارگردانی می‌کند نقش «تونی مندز»،

مأمور سابق سازمان سیا و استاد تغییر چهره را بازی می‌کند. این فیلم داستان تسخیر

لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان ایرانی، البته به روایت هالیوود است.



چهارشنبه خوانی

«فیل» ما

بهاره رهنما



■ این روزها مشغول بازی در نمایش «فیل» به کارگردانی «پنهان‌نازی» و نویسندگی حمیدرضا نعیمی هشتم، هرب ساعت ۱۹:۳۰ در سالن سایه تئاتر شهر به مدت یک ساعت مشغول اجرای این نمایش هستیم. نمایش شامل سه تابلو از زندگی آمریکایی است که از سه داستان کارور اقتباس شده است. چیزی که در طول اجرای نمایش به ذهن خیلی از مخاطبان خطور می‌کند، این است که خطر درونی پیوند بین این سه داستان کجاست. قطعاً شما هم اگر به دیدن نمایش ما بیایید شاید اولین سوالاتی که به ذهن‌تان خطور کند، همین باشد به گمانم، چراکه خود حمیدرضا نعیمی هم در مصاحبه مطبوعاتی نمایش اعلام کرد، استیصال بشری در موقعیت‌های غریب جهان امروز تص اصلی پیوند بین این داستان‌هاست. نمایش به لحاظ ریتم و تمپو بسیار پرشتاب است و اکثر کسانی که به دیدن نمایش آمده‌اند در لحظه پایان نمایش گمان نمی‌کنند که یک ساعت گذشته باشد! قابل‌توجه دوستان منتقد که هرچه ما می‌گوییم عدم تفاوت در نقش‌های سینمایی محصل بحران متن در سینماست، اینکه این روزها در شهر، مفت نمایشی که در برنامه کاری‌ام دارم نقش‌هایی را تجربه می‌کنم که مطلقا در سینما حتی امکان نگارش‌شان برای هیچ بازیگر زنی نیست و این نه فقط به من یا نویسندگان نمایش‌ها که به اصل مهم اقتباس ادبی که متأسفانه این روزها در سینمای ایران امری دور از ذهن و بعید می‌نماید، برمی‌گردد.

آزمون و خطا

چهار برش از عقب‌ماندگی

بابک ریاحی‌پور



■ یک

در حال حاضر مشکلات و معضلات فرهنگی هنری کشورمان به حدی است که نمی‌دانیم باید آن را چه بنامیم. در واقع به داستان معروف مرغ و تخم مرغ رویه‌رو هستیم که آیا اول مرغ بود یا تخم مرغ؟ آیا خودمان باعث و بانی این وضع هستیم یا اینکه به قول دایی جان ناپلئون «کار، کار، انگلیس‌هاست»

این نقطه تار غالب بر فرهنگ‌مان زمانی خود را مانند پتک بر فرق سرمان می‌کوبد که ناگاهی به اثر هنرمندان دیگر کشورهای جهان می‌اندازیم.

حتی اگر بهترین خواننده‌های کشورمان را با متوسط‌ترین خواننده‌های اروپایی و آمریکایی با حتی ترک مقایسه کنیم، می‌بینیم که در بهترین حالت خوانندگان برجسته کشورمان با تقلید و الگوبرداری از خوانندگان ترک، عرب یا حتی یونانی کارشان را پیش می‌برند (البته به غیر از موسیقی سنتی و اصیل ایرانی که قاعدتا در این مورد بهترین هستیم، چون ریشه در پیشینه فرهنگی خودمان دارد و رقیبی هم در کار نیست).

دو

قابل‌توجه آن دسته از دوستانی که گمان می‌کنند شاخ غول را شکسته‌اند و مدعی هستند که با یک آلبوم درخشیده‌اند: بهتر است یک سری به اینترنت بزیند و آلبوم «GRACE» اثر JEFF BUCKLEY را گوش کنید. این اسطوره و ابرستاره موسیقی راک (یا فارافکنی از راک) چنان درخشید که حتی ۱۱ سال پس از مرگش در فهرست پر فروش‌ترین آهنگ‌ها در آمریکا، شماره یک معرفی شده است. نکته جالب‌تر آنکه این هنرمند با انتشار تنها یک آلبوم چنان تاثیر خارق‌العاده‌ای بر جا گذاشت که موسیقی‌اش توسط هر نسلی دوباره و دوباره از نو کشف می‌شود.

سه

طبق معمول و مانند همیشه، در پی حذف اصالت ایرانی خویش، به دنبال یک مقصر می‌گردیم. من شخصا بر این باورم که تقصیر بر گردن کسانی است که هر روز با وضع قوانین و خط مشی‌های جدید ما را سوپرپرایز کرده و یاد ضرب‌المثل «این نیز بگذرد» می‌اندازند. هنر هیچ وقت در قالب یک چارچوب دیکته شده متجلی نشده است.

چهار

راستی قابل توجه همکاران عزیز که قصد انتشار آلبوم موسیقی یا ترانه عاشقانه دارند: تا دیر نشده، برای پیشگیری از ضرر مالی و آسیب روحی و روانی، شعرهایتان را اصلاح کنید و یک کاری کنید که به ازدواج ختم بشود مانند «به حلقه طلایی، اسم‌تو روش نوتشتم».

تالش

طعم انار یا میوه شیرین کاکتوس



محمد ابراهیم جعفری

نقاش

در یادداشت این هفته با توجه به گفت‌وگوهایی که با یکی،

دو همکار جوان داشته‌ام، می‌خواهم با استفاده از مقاله «هادی

هزاوای» دوست و همکلاسی قدیمی‌ام در رشته نقاشی

دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، باز هم از طراحی و

اهمیت آن در ساختار ذهن انسان معاصر بنویسم. هادی که

شرح زندگی‌اش از کودکی تا دقیقه اکنون چنان است که به

نوشتن، گفتن و حتی دیدن نمی‌آید و در این روزها در ایران

سخت طراحی و نقاشی می‌کند، می‌نویسد و حرف می‌زند. او

سال‌ها پیش مدرک دکترای خود را در «پروزش و آموزش

هنر» در آمریکا گرفته است، اما وقتی به حرف‌های او گوش

می‌دهی با کارهایش را می‌بینی، یاد باقریه‌های می‌افنی

که هرچند چگونگی کاشت، داشت و برداشت کاکتوس را

می‌شناسد، اما در زندگی هنرمندانه‌اش بیشتر با بید مجنون

حال می‌کند و طعم انار را به میوه شیرین کاکتوس ترجیح

می‌دهد (میوه کاکتوس در آفریقا و به خصوص کشور مراکش

فراوان است). هادی هزاوای در شماره ۲۰۲ دوفه‌نامه

«ندیس» می‌نویسد: طراحی، شریف‌ترین، صمیمی‌ترین و

راستگوترین بیان بشری است و تنها اثری است که از زندگی

صدها هزارساله بشر به زمان ما رسیده است. به صورت خراش

روی سنگ‌ها، استخوان‌ها و طرح روی دیوار غارها و ظروف

سفالی و… طراحی همچنین اولین بیان تصویری کودک است

که به صورت خط (خط‌خطی) شروع شده و به دایره، مثل‌اند،

خورشید، آدم، زن و مرد و خانه و گل و پرند می‌رسد. در

تعریف کلاسیک طراحی گفته‌اند: عملی است که هنرمند با

وسیله طراحی؛ مداد، قلم، گچ، مرکب، زغال، پاستل روغنی و

مداد شمعی روی سطح دوبعدی کاغذ، مقوا، دیوار و چوب

خطوطی رسم می‌کند که بیشتر حدود داخلی حجم یا فضا را

شماره جدید «عصر ارتباط» روی دکه

تازه‌ترین شماره هفته‌نامه «عصر ارتباط» با تیر یک (۱۲ درصد سهام ایرانسل گم شد» روی دکه روزنامه فروشی‌ها آمده است. در این شماره که ۱۶ صفحه روزنامه‌ای و یک ضمیمه مجله‌ای ۸ صفحه‌ا شامل می‌شود، مطالبی چون «تسلی که با اینترنت باهوش می‌شوند»، «بررسی کتاب آینده اینترنت و چگونه می‌توان آن را متوقف کرد»، «با ابررایانه‌های می‌تواند انقلاب‌ها را پیش‌بینی کنند» و «تلفن همراه ۶ مدعی دارد» در



صوتی و تصویری» را در مجله ضمیمه آن می‌توانید بخوانید. شماره ۴۲۴ عصر ارتباط با قیمت ۲۰۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.